

مصالح گزینی بر اساس سازگاری بومی - شخصیتی (درس آموخته هایی از معماری بومی ایران)

محمد رضا عطایی همدانی - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
وحید شالی امینی* - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
مهدی حمزه نژاد - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
ویدا نوروز برازجانی - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Choosing materials based on indigenous compatibility - personality (lessons of Iranian indigenous architecture)

Abstract

The choice of materials is one of the major challenges in contemporary architecture. As far as the criteria of present buildings are present, limits are considered to choose and apply it. The arrival of various materials in the country requires the indigenous - aesthetic basis of it. For in case of neglect of this, the original face of the cities will grow more turbulent. This study examines the ecological basis and its adaptation to personality theories tries to explore local - personality differences and use different materials. The question of the research can be suggested: How is the difference between different personalities in choosing, processing and applying materials, and how did selected monuments find? Since the ornamentation is also important as a factor to explore the differences in the use of materials, the difference of personalities in the selection of ornamentation is also addressed. The method of research in the creation and structure of theoretic bases, logical reasoning, and in inferring the difference between material and ornamentation originated from the diversity of native characters. In this study, based on the basis of reasoning, the land of canvas causes the thinker, the moisture causes sensation and perception, the cold, and heat cause an introvert to become an introvert. Basic personality introspection is the use of natural materials, making a difference in the appearance of materials, the use of monochrome materials, and lack of interest in indexing materials. A basic personality Extraversion is a welcome to new materials, use of materials to diversify or modify materials color and make distinctions between different parts according to changes in type or arrangement of materials. To be thoughtful and judgment in the base personality causes uncertainty in the choice of materials, the use of textured materials on the side of the smooth materials, the tendency to show the geometrical arrangement of materials by making clarity on the boundary of parts and components. The perception of the basis of the basic personality causes risk taking in the use of new materials, the tendency of to work, the use of natural or less processed materials, the use of material with little contrast in color and texture.

keywords: cultural ecology, basic personality, materials, ornamentation.

چکیده

انتخاب مصالح از جمله چالش‌های مهم در معماری معاصر است. تا جایی که در ضوابط ناماسازی بناهای امروزی محدودیتهایی برای انتخاب و بکارگیری آن در نظر گرفته شده است. ورود انواع مصالح به کشور نیاز به مبنای بومی - زیباشناختی آن را ضروری می‌سازد. چراکه در صورت غفلت از این موضوع چهره اصیل شهرها دچار اغتشاش روز افزون خواهد شد. پژوهش حاضر با بررسی مبانی بوم‌شناختی و انطباق آن با تئوری‌های شخصیت‌شناسی سعی در کشف تفاوت‌های بومی-شخصیتی انتخاب و بکارگیری مصالح گوناگون دارد. سوال تحقیق را می‌توان چنین مطرح نمود: تفاوت بین شخصیت‌های گوناگون در انتخاب، فراوری و بکارگیری مصالح چیست و در بناهای منتخب چگونه نمود یافته است؟ از آنجاییکه تزئینات نیز به عنوان عاملی برای کشف تفاوت‌ها در بکارگیری مصالح اهمیت دارد به تفاوت شخصیت‌ها در انتخاب ساختار تزئینات نیز پرداخته شده است. روش تحقیق در ایجاد و ساختار بندی مبانی نظری، استدلال منطقی و در استنباط تفاوت بین مصالح و تزئینات منبعث از گوناگونی شخصیت‌های بومی تفسیری می‌باشد. در این پژوهش براساس مبانی استدلالی، خشکی بوم موجب متفکر و قضاوت گر شدن، رطوبت موجب احساسی و ادراکی شدن، سرما موجب برون گرا شدن و گرما موجب درون گرا شدن شخصیت پایه می‌شود. درون گرایی شخصیت پایه موجب استفاده از مصالح طبیعی، ایجاد تمایز اندک بین ظاهر مصالح، استفاده از مصالح تک رنگ و عدم تمایل به مصالح شاخص کننده می‌شود. برونگرایی شخصیت پایه موجب استقبال از مصالح جدید، استفاده از مصالح با رنگ‌های متنوع یا اصلاح رنگ مصالح و ایجاد تمایز بین بخش‌های مختلف بنا با تغییر در نوع یا چینش مصالح می‌گردد. متفکر بودن و قضاوت گری در شخصیت پایه موجب عدم ریسک پذیری در انتخاب مصالح، استفاده از مصالح بافت دار در کنار مصالح صیقلی، تمایل به نشان دادن ترتیب هندسی مصالح با ایجاد وضوح در مرز قطعات و بندکشی‌ها می‌شود. احساسی و ادراکی بودن شخصیت پایه موجب ریسک پذیری در استفاده از مصالح جدید، تمایل به اندود کاری روی سفت کاری، استفاده از مصالح طبیعی یا کمتر فراوری شده، استفاده از مصالح با تضاد کم در رنگ و بافت می‌گردد.

واژگان کلیدی: بوم شناسی فرهنگی، شخصیت پایه، مزاج شناسی، مصالح، تزئینات.

*. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری با عنوان «اصول بوم‌فرهنگی مصالح گزینی در بناهای معاصر (درس آموخته‌هایی از نظریه بوم‌شناسی فرهنگی در بررسی مقایسه شاخص دوران ایلخانی و تیموری)» به راهنمایی دکتر وحید شالی امینی و مشاوره آقای دکتر مهدی حمزه نژاد و خانم دکتر ویدا نوروز برازجانی میباشد.
نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۷۲۰۹۸۰۲، رایانامه: vs_amin@yahoo.com

مقدمه

مصالح و مواد مورد استفاده در ساختمان سازی موضوعی است که نمی توان بدون توجه به آن نظریه‌ای در معماری ارائه نمود چراکه وجه کالبدی و عینی فضا را می‌سازد. در سبک‌های مختلف معماری تمایز بین انتخاب مواد، فراوری آن و نحوه کاربست آن در فضا سازی، هویت آن سبک را ایجاد می‌نماید. در مکان‌های جغرافیایی مختلف نیز این چنین است. دسترسی به نوع خاصی از مصالح و نیز فناوری استحصال آن رابطه مستقیم در ایجاد حس مکان در آن جغرافیا دارد. منابع و فناوری‌های مختلف از این جهت که در ایجاد تمایز بین بوم‌ها و سبک‌ها نقش دارند در هویت بخشی به مکان جایگاه ویژه‌ای ایفا می‌کنند. در دوران معاصر تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها به توسعه یافته و عقب مانده یا تولید کننده و مصرف کننده موجب سرازیر شدن انواع مصالح از نقطه‌ای به نقطه دیگر شده است. از نقطه نظرهای گوناگون می‌توان به این موضوع نگریست. به طور مثال از نظر ویژگی‌های کاربردی مصالح^۱، اقتصاد^۲، اقلیم و انرژی^۳، سازه^۴ و موارد دیگر. در پژوهش حاضر سعی شده است انتخاب، فراوری و کاربست مصالح از زاویه ویژگی‌های بومی - شخصیتی مورد بررسی قرار گیرد. فرایند مصالح گزینی در این پژوهش به سه مرحله تقسیم‌بندی شده و تأثیر بوم، فرهنگ و شخصیت پایه در هر مرحله ذکر شده است. به نظر می‌رسد بررسی کمی شامل نقطه نظرهای اقتصادی، اقلیمی و سازه‌ای توجه کننده استفاده از برخی مصالح بدون در نظر داشتن ویژگی‌های کیفی نیست؛ چراکه هر پدیده‌ای در نگرش کلی، تأثیر فرهنگی و زیبایی شناختی دارد و مصالح وارداتی چنانچه با برخی اصلاحات، به صورت آگاهانه و با چشمانی باز مورد استفاده قرار گیرند و یا مصالح بومی با حفظ کیفیات، خواص دیگری بیابند و برخی کمیت‌ها در آنها بهینه سازی شود در ارتقای معماری معاصر مثمر ثمر خواهند بود. در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی منبعث از بوم در نگاه سنتی و معاصر بررسی شده و شالوده

نظری پژوهش را بنیان نهاده است. سپس با توجه به هر ویژگی اصول مصالح گزینی آورده شده است. این اصول از بررسی نمونه‌های موجود در انواع بوم‌ها استخراج شده است. در این بررسی تزئینات از عوامل کلیدی در تعیین نوع مصالح معرفی شده است و نمی توان به ویژگی‌های بوم فرهنگی منبعث از شخصیت پایه در مصالح گزینی پرداخت و نوع چیدمان مصالح در کنار هم و ترکیبات بصری مصالح که همانا مقوله تزئینات در معماری است حرفی به میان نیاورد.

چارچوب نظری و روش تحقیق

شالوده نظری پژوهش حاضر بر مبنای علم روانشناسی بوم فرهنگی^۵ است. در این علم از سویی عناصر فرهنگ مادی^۶ و از سوی دیگر علم سنتی و اصیل، منبعث از بوم، مطالعه می‌شود. در این علم عناصر تمدنی، هنر، اعتقادات، نظریات تجربی در یک سامانه همبسته و مرتبط با هم بررسی می‌گردد. در این علم از یک سو با مراجعه به اسناد، تحلیل قیاسی^۷ و از سوی دیگر با مشاهده به مصادیق، تحلیل استقرایی^۸ انجام می‌شود. در این پژوهش از دیدگاه کل نگر^۹ به موضوع بوم، فرهنگ و شخصیت نگاه شده است بدین ترتیب تأثیر ویژگی‌های اقلیمی بر روان انسان از نقطه نظر حکمی و سیر تحول آن تا دوران معاصر و روان شناسی شخصیت آورده شده است. بدلیل محدودیت نوشتار تنها به برخی نظریه‌های مهم اشاره شده است. برخی نظریه‌ها به تأثیرات اقلیمی در چهره و اندام هم پرداخته اند که از آن در این مقاله صرف نظر شده است^{۱۰}. شیوه تحلیل در پژوهش حاضر بر ساختی - تفسیری^{۱۱} است. نوع نگرش به موضوعات نیز نگرش کلی است. روش شناسی پژوهش نیز از نوع کیفی است و از راهبرد استدلال منطقی در تبیین مبانی نظری و از راهبرد تفسیری در بر ساخت اصول مصالح گزینی استفاده شده است. در این پژوهش طبق مبانی استدلالی اولاً تأثیر بوم بر شخصیت پایه بدیهی در نظر گرفته شده و ثانیاً می‌توان در مصالح گزینی تأثیر ویژگی‌های بوم - شخصیتی را مشاهده نمود. هدف از مشاهده، تفسیر و ارائه اصول می‌باشد.

5. Eco-Cultural Psychology

6. Material Culture

7. Deduction

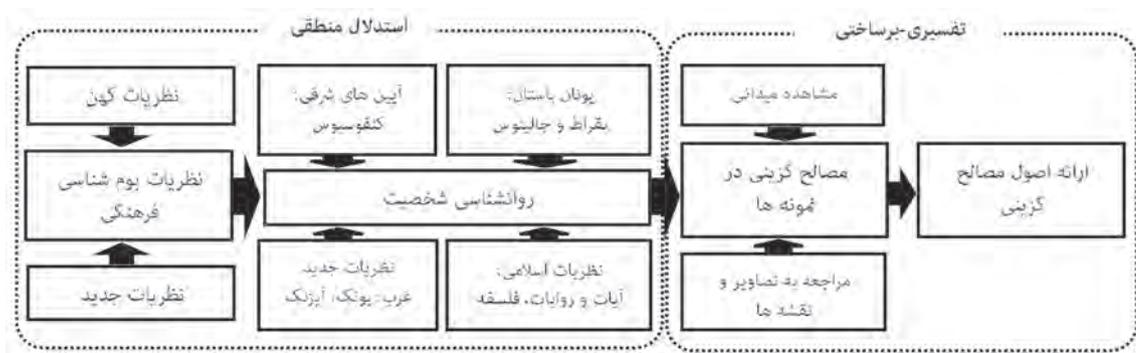
8. Induction

9. Holism

۱۰. برای نمونه می‌توان به نظریات ارنست کرچمر (Ernst Kretschmer) و ویلیام شلدون (William Herbert Sheldon) مراجعه نمود.

11. Interpretivism

۱. ر. ک: نشریه ۵۵ سازمان برنامه و بودجه با عنوان «مشخصات فنی عمومی کارهای ساختمانی».
۲. ر. ک: سبزه پرور، مجید (۱۳۸۹) مرجع کاربردی مدیریت پروژه، تهران: انتشارات ترمه.
۳. ر. ک: قبادیان، وحید (۱۳۹۲). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۴. ر. ک: گلابچی، محمود، مظاهریان، حامد (۱۳۸۸). فناوری‌های نوین ساختمانی. تهران: دانشگاه تهران.



نمودار ۱. مسیر پژوهش (ماخذ: نگارنده)

انسانی می‌نگرند. (ZARIN, 2010, 40) آنان بر خرده فرهنگ‌ها تمرکز داشته و زبان، مذهب، ساختار اجتماعی، اقتصاد و معیشت را به واسطه ارتباط نزدیک با اعضای آن خرده فرهنگ بررسی می‌کنند. پژوهش‌های بوم‌شناسی فرهنگی با تحقیقات جولیان استیوارد^{۲۰} آغاز شد. وی اولین بار نحوه فرهنگی سازگاری جامعه انسانی با محیط را نشان داد و برای اولین بار مدل چند عاملی سازگاری را جایگزین مدل‌های تک عاملی کرد. از نظر روش‌های تحقیق در بوم‌شناسی فرهنگی به جهت گسترده زیاد موضوع فرهنگ روش‌های متعددی نیز به کار گرفته می‌شوند و روش استیوارد عموماً مردم‌نگاری فرهنگی^{۲۱} خوانده می‌شود لیکن پس از وی پژوهش‌هایی ترکیبی بکار گرفته شد و بوم‌شناسی جدید^{۲۲} را شکل داد. در این تحقیقات از تحلیل‌های کمی و آماری در تایید یا تعیین میزان تایید توصیفات کیفی بهره‌گیری می‌شود (SUTTON, 2010, 59).

بوم، فرهنگ و شخصیت

فرهنگ^{۲۳} ویژگی است که شیوه‌های زندگی نوع بشر را در بر می‌گیرد. فرهنگ ابر سامانه‌ای است که سامانه‌های جزئی که هر یک دارای عناصر مختلف هستند را شامل می‌شود. سامانه‌ها و عناصری که در عین تفاوت در نوع عملکرد و هدف بهم وابسته‌اند و با نگاهی کل‌نگر می‌توان همه آن‌ها را زیر مجموعه سامانه‌ای بزرگتر به نام فرهنگ دید (ستوده ۱۳۹۵، ۸۴). فرهنگ به دو حوزه مادی و غیر مادی تقسیم می‌شود. فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی (معنوی). فرهنگ مادی هر چیزی که انسان در ارتباط با رفع نیازهای مادی اش به طبیعت افزوده است را شامل

روش گردآوری داده‌ها در مرحله اول کتابخانه‌ای با ابزار فیش برداری از منابع و در مرحله دوم مشاهده اکتشافی با ابزار تصویر برداری و رجوع به اسناد و نقشه‌های نمونه‌های منتخب می‌باشد. روش تحلیل داده‌ها نیز به صورت استفهام^{۱۳} می‌باشد. اعتبار پژوهش از مشاهده تصاویر و انگاشت فرضیات و آزمون و تطبیق فرضیات در ابنیه مشابه حاصل گشته است. (نمودار ۱)

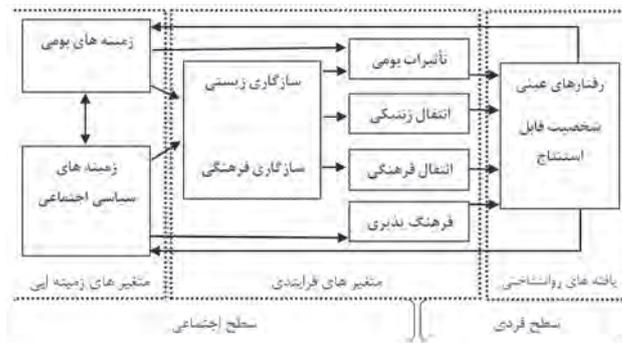
بوم‌شناسی فرهنگی

بوم‌شناسی^{۱۳} مطالعه‌ای است که رابطه متقابل موجود زنده و محیط را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بوم‌شناسی انسانی^{۱۴} نیز به مطالعه نوع سازگاری^{۱۵} انسان در محیط می‌پردازد و مفاهیم گسترده‌ای از انسان‌شناسی زیستی^{۱۶} تا انسان‌شناسی فرهنگی^{۱۷} را شامل می‌شود (لاپکا، ۱۳۹۴، ص ۱۶). بوم‌شناسان انسانی چستی و چگونگی سازگاری انسان در برخورد با مشکلات محیطی را مطالعه می‌کنند و آنچه گروه‌های انسانی در مواجهه با محیط استنباط می‌کنند و نحوه اشتراک‌گذاری تجربیاتشان را بررسی می‌کنند. بوم‌شناسی فرهنگی^{۱۸} به مطالعه روش‌های فرهنگی اجتماعات انسانی در سازگاری با محیط می‌پردازد.^{۱۹} بدین ترتیب بوم‌شناسان فرهنگی برای ادراک نحوه سازگاری با محیط، با شیوه‌ای کل‌نگر به سنتها و آیین‌های اجتماعات

12. Abduction
13. Ecology
14. Human Ecology
15. Adaptation
16. Biological Anthropology
17. Cultural Anthropology
18. Cultural Ecology

۱۹. نیاز به مطالعات فرهنگی در بوم‌شناسی از ناتوانیهای زیست‌شناسی در تبیین نوع سازگاری ارگانیسمی به نام انسان با محیط، بوسیله روش‌های تجربی حس شده است. در جوامع انسانی تبیین نوع سازگاری با روش‌های صرفاً تجربی با شکست مواجه شده است در حالیکه میتوان برای این نوع سازگاریها تبیین فرهنگی ارائه داد.

20. Julian H. Steward
21. Cultural ethnography
22. New Ecology
23. Culture



نمودار ۲. متغیر های دخیل در رفتار انسان
(ماخذ: نگارنده به نقل از Berry2010, 66)

می شود. بارز ترین مظهر فرهنگ مادی «فناوری» است. هزاران سال پیش، انسان با پی بردن به این که می تواند با استفاده از پدیده های مادی پیرامون خود، نیازهایش را بهتر ارضاء کند، آفریدن و ساختن ابزار و وسایل را آغاز کرد و بدین وسیله نخستین گامها را در راه رهایی از وابستگی به طبیعت برداشت. همه آنچه به عنوان ابزار یا فناوری خوانده می شود در فرهنگ مادی قرار می گیرد. فرهنگ معنوی ابداعات انتزاعی، غیر عینی و غیر ملموس جوامع را شامل می شود. مانند باورها، ارزش ها، هنجارها و نمادها. البته نمادها زمانی که رنگ عینی و جسمانی بخود می گیرند و در انواع هنرهای بصری به تصویر کشیده می شوند می توانند به حوزه فرهنگ مادی نیز نفوذ نمایند. (ZARIN 2010, 40)

زیست بوم^{۲۴} شامل شرایط اقلیمی، مورفولوژی بستر، منابع غذایی و مصالح در دسترس و دیگر امکانات و ویژگی های مادی و فیزیکی از آنجا که نوع زندگی و معیشت جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد بر فرهنگ بویژه فرهنگ مادی تاثیر گذار خواهد بود. (SUTTON 2010, 62) در اقلیم های مرطوب عموماً دسترسی به منابع آب دشواری چندانی ندارد و در این اقلیم ها به راحتی می توان کشاورزی نمود بدین ترتیب فرهنگ کشاورزی شامل آداب آبیاری، نوع تغذیه، آداب اوقات و ایام و... بر این اساس ایجاد می شود. در اقلیم های خشک آب ارزش و جایگاه ویژه ای دارد و استحصال آب از زمین با مشقت زیاد و فناوری پیچیده صورت می گیرد. در برخی از چنین اقلیم های همچون ایران الهه آب (آناهیتا) تقدیس می شد و مکانی که آب وجود داشت سکونت شکل می گرفت و آباد می گشت. بدین ترتیب می توان ویژگی های بومی را از عوامل اساسی تاثیر گذار بر فرهنگ مردم دانست.

شخصیت^{۲۵} عبارت است از مجموعه کلی از شیوه های درونی و بیرونی تطابق و سازش فرد با زندگی. جورج کلی^{۲۶} شخصیت را روش خاص هر فرد در جستجوی پیدا کردن و تفسیر معنای زندگی می داند (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۹۵). قسمتی از شخصیت ارثی است و بخش دیگر آن اکتسابی است و توسط تجربه های زیستی معین می شود. شخصیت موجب بی همتایی، ثبات و قابل پیش بینی بودن رفتارهای فرد می شود. از همان بدو کودکی که کودک تحت آموزش های خاص قرار می گیرد تحت تاثیر عوامل و آموزه های فرهنگی قرار می گیرد (Tri andis 2002). ویژگی های فرهنگی مشترکی که همه اعضای یک جامعه در آن سهیم هستند از طریق آموزش به کودک منتقل شده و یکی از مهم ترین ارکان شخصیتی وی را ایجاد می کند که به آن شخصیت اساسی^{۲۷} گفته می شود (Hofstede 2004, 42). شخصیت اساسی متناسب با ویژگی های فرهنگی هر جامعه شکل می گیرد. این ویژگی ها به دو بخش زیر بنایی و روبنایی قابل تفکیک هستند. تربیت اولیه دوران کودکی، شرایط اجتماعی-اقتصادی (طبقه اجتماعی)، اکولوژی و جمعیت بخش زیربنایی و ایدئولوژی، افسانه ها و نهادهای اجتماعی بخش رو بنایی را شکل می دهد. بدین ترتیب از آنجا که شخصیت اساسی (پایه) متأثر از فرهنگ و بوم آن جامعه است، بین افراد آن جامعه بطور مشترک وجود دارد و عامل تمایز گروه های اجتماعی از یک دیگر می شود (همان، ۴۲). چنانکه گفته می شود انگلیسی ها آرام هستند، فرانسوی ها پر شورند، آلمانی ها پرخاشگرند، ایتالیایی ها خون گرمند و ژاپنی ها قانون شناس هستند؛ منظور، تفاوت در شخصیت اساسی آنها است و البته این موضوع نسبی است و استثناء هم در اعضای جوامع دیده می شود. بدین ترتیب به اختصار می توان رفتارهای فرد را معلول شخصیت وی دانست و با دانستن شخصیت رفتارهای احتمالی را پیش بینی نمود. ساختار شخصیت متأثر از ویژگی های وراثتی و آموزه های اکتسابی است که در فرایند جامعه پذیری انتقال می یابد این آموزه ها فرهنگی است و همانطور که گفته شد ویژگی های بوم شناختی رابطه مستقیم با فرهنگ دارد. بری با ارائه مدلی این عوامل را در ارتباط با هم نشان می دهد. (Berry 2011, 66) (نمودار ۲)

25. Personality
26. George Kelly
27. Basic Personality

24. Biome

ویژگیهای ظاهری	ویژگی های خلقی و نفسی مزاج قلب	تیپ عصبی	کیفیت غالب
تنفس و نبض عظیم و سریع، سرخی چشم آن، سینه ی پهن و پر مو، خواب سبک	شجاعت، نشاط در کار، شتابزدگی، زود خشمی	دموی (خونی)	گرمی
تنفس و نبض صغیر، سینه ی بدون مو، خواب کامل و سنگین	بددلی، کسالت در انجام کار	سودایی (مالیخولیائی)	سردی
نبض نرم، بزرگی چشم، خواب سنگین و زیاد	از هر کاری سریعاً متغیر شدن، زود خشمگین و زود برطرف شدن، تغییر سریع رای	بلغم	تری
نبض صلب، کوچکی چشم، خواب کم	لجباز، آرام، ولی اگر خشمگین شود دیر آرام می شود	صفراوی	خشکی

فرهنگ و شخصیت پایه اعضای جامعه مؤثر است.

جدول ۲. شخصیت شناسی سنتی شرقی بر اساس چرخه یین و یانگ (ماخذ: www.koreatimes.co.kr)

So Lim	Lat Lum	So Yang	Tze Yang
سینه کوچک و آبرو پهن، صورت نازک و گویه خندان بیرون زده	سگم پرک و گردن و روتار	چهاربند، کمر باریک	سگم لاغر، گردن پهن
لطیف و حساس	کافحت	مصلح	عزیز
پاخوش	علاقم	مناکار	خلاق
سودمان نازک	کسالت	ذریع کار	شعبه
تودخواه	پندار	سوق	مغور
عصبی	شوخ طبع	گرم	شده مان
حسوس	آرام	مهربانی	سودمان

این چهار شخصیت عبارتند از سودایی^{۳۷} (سرد و خشک)، صفراوی^{۳۸} (گرم و خشک)، بلغمی^{۳۹} (سرد و مرطوب) و دموی^{۴۰} (گرم و مرطوب). (جدول ۱) در آیین های شرق نیز بخشهای مختلف دایره یین و یانگ نماد چهار شخصیت متفاوت (با ویژگیهایی منطبق با خصائص شخصیتی مزاجهای چهارگانه) می باشند. (جدول ۲) (فانگ ۱۳۸۰) و (چینگ ۱۳۸۳) در نظریات کانت در عصر روشنگری نیز می توان تداوم مزاج شناسی های کهن یونانی را مشاهده نمود. پس از عصر روشنگری شخصیت شناسی در قالب علوم تجربی دنبال شد و نظریات جدید و علمی جای نظریات حکمی و کهن را گرفت. (Kant 2012) از مهمترین پژوهشگران فرهنگ شناسی می توان به هاوستد^{۴۱} اشاره نمود وی ابعاد فرهنگی چهارگانه پیشنهادی خود (IBM) را با ویژگی های شخصیتی پنجگانه (NEO) مقایسه نموده است. وی در تحقیق مشترک با مک کری^{۴۲} با عنوان «بازنگری شخصیت و فرهنگ: پیوند دادن ویژگی ها و ابعاد فرهنگ»^{۴۳} در

۷۱ کشور به تحقیق در مورد شاخصه های چهارگانه فرهنگی (IBM) شامل: فاصله از قدرت^{۴۴}، اجتناب از عدم اطمینان^{۴۵}، فرد گرایی^{۴۶} و مرد گرایی^{۴۷} در انطباق با ویژگی های شخصیتی پنجگانه شامل روان رنجوری^{۴۸}، برونگرایی^{۴۹}، گشودگی به تجربه^{۵۰}، توافق^{۵۱} و وظیفه

44. Power distance
45. Uncertainty avoidance
46. Individualism
47. Masculinity
48. Neuroticism
49. Extraversion
50. Openness to experience
51. Agreeableness

37. Melancholic
38. Choleric
39. Phlegmatic
40. Sanguine
41. Geert Hofstede
42. Mc Crae
43. Personality and Culture Revisited: Linking Traits and Dimensions of Culture

شناسی^{۵۲} پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که روان رنجوری با اجتناب از عدم اطمینان و مردگرایی رابطه مستقیم، برونگرایی با فردگرایی رابطه مستقیم و با مردگرایی رابطه معکوس، گشودگی به تجربه با مردگرایی و اجتناب از عدم اطمینان رابطه مستقیم و با فاصله از قدرت رابطه معکوس، توافق با اجتناب از عدم اطمینان رابطه معکوس و وظیفه شناسی با فاصله از قدرت رابطه مستقیم دارد. وی این رابطه را با روش شناسی کمی انجام داده است. با انواع پرسشنامه‌های شخصیتی و فرهنگی و آزمون همبستگی بین آنها توانسته است فرضیه خود را اثبات کند. بدین ترتیب هم در نظریات حکمی و هم در علوم تجربی نوین می‌توان پیوند ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی را اثبات نمود. (Hofstede, 2004, 72)

رابطه بوم و شخصیت در مزاج شناسی سنتی

همانگونه که پیشتر اشاره شد عوامل دوگانه خشکی-تری و سردی-گرمی چهار شخصیت سودایی، صفاوی، بلغمی و دموی ایجاد کند. برخی حکما همچون ابن عربی حرارت را پدر علوی و رطوبت را مادر طبیعی بشر می‌دانند (ابن عربی؛ ۱۳۸۵، ۱۶۷) و ویژگیهایی نظیر حیات را به حرارت، علم را به برودت، اراده را به یبوست و قدرت را به رطوبت نسبت می‌دهند. در اقلیم‌های مختلف ویژگی بارز اقلیمی را به یکی از صفات انسانی مرتبط نموده اند. بطور مثال در اقلیم خشک بیشتر افراد را با اراده می‌دانستند (ابن عربی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸). در این میان حکیم فخر رازی عقیده دارد که سرما و گرمای اقلیمی بر مزاج رابطه معکوس دارد. وی عقیده دارد حرارت اقلیمی موجب تغییرات فیزیولوژیکی در انسان برای دفع حرارت می‌گردد، مثل بزرگ شدن قطر حفره‌های روی پوست (حفره‌های تعریق) و کاهش قدرت تپش قلب، به همین دلیل حرارت درونی ساکنان این مناطق نسبت به مناطق سرد بیشتر است. در مناطق سردسیر قلب برای گرم نگه داشتن اعضای دور از قلب تپش شدید تری دارد و رگها ضخیم تر می‌گردد. مطابق با نظر فخر رازی این اختلاف فیزیولوژیکی موجب اختلاف روانی نیز می‌شود. بطوریکه شجاعت و قدرت غریزه ساکنان مناطق سرد بعلاوه دمای درونی بیشتر نسبت به ساکنان مناطق گرم زیادتر است

(فخر رازی، ۱۳۹۵، ص ۵۰۰). یافته‌های علوم تجربی نیز تایید می‌کند که در اقلیم‌های سرد بدن فرد شروع به حفظ و تولید گرما می‌کند و قلب فرد به دستور هیپوتالاموس تپش تند تری یافته و بدن گرم می‌شود و در اقلیم گرم بدن فرد با تعریق بیشتر، کاهش تپش، افزایش سطح پوست (افزایش سطح تابش کننده‌ی گرما) نسبت به حجم بدن و راهکارهای دیگر با شرایط محیطی سازگار می‌گردد؛ (تصویر ۱ و نمودار ۳) بدین ترتیب موجودات خون گرم از جمله انسان برای فرارگیری در بازه‌ی دمایی مناسب برای حیات با راهکارهای گوناگون جذب و حفظ یا دفع گرما می‌کنند و فرایند جذب، حفظ و دفع حرارت موجب تفاوت‌های جسمی و روانی می‌گردد (لکنز، ۱۳۸۵، ص ۵۵).

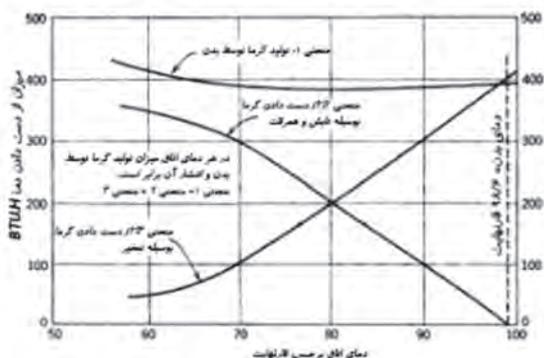
مطابق با نظر حکماء بر خلاف حرارت، رطوبت تأثیر مستقیم بر مزاج انسان دارد. یعنی در مناطق مرطوب، مزاج تر و در مناطق خشک مزاج نیز خشک خواهد بود. ساکنان مناطق مرطوب نوسان حرارت فصلی کمتری را نسبت به ساکنان مناطق خشک تجربه می‌کنند. بدین ترتیب از لحاظ مزاجی تعادل بیشتری نسبت به مناطق خشک دارند. آرامش و خوشبختی نتیجه این تعادل مزاجی خواهد بود. در مناطق خشک افراد به دلیل نوسان دمای روزانه و فصلی تحریک پذیر تر، مقاوم تر، هیجانی تر و البته پر نشاط تر خواهند بود.

نظریه‌های نوین شخصیت شناسی

شخصیت شناسی با نظریات یونگ^{۵۳} وارد عرصه روانشناسی نوین شد. از آنجا که وی با مطالعه‌ی اسطوره‌ها و نمادهای کهن به کشف ضمیر ناخودآگاه جمعی^{۵۴} نائل شد، تردیدی باقی نمی‌ماند که مطالعه حکمت کهن در نظریه شخصیت شناسی وی تأثیرگذار بوده است. یونگ وابستگی افراد به یکی از عناصر اربعه (آب، باد، خاک و آتش) را موجب ایجاد ویژگی‌های روانی خاصی می‌داند (Arroyo, 1977, ۳۷؛ به نقل از یونگ ۱۹۴۷) و این ویژگی‌ها در ایجاد تیپ‌های شخصیتی موثر است. یونگ دو تیپ اصلی درونگرا^{۵۵} و برونگرا^{۵۶} و کارکردهای

- ۵۳. Carl Gustav Jung
- ۵۴. Collective Unconscious
- ۵۵. Introversion
- ۵۶. Extraversion

- 52. Conscientiousness



نمودار ۳. حفظ تعادل حرارتی بدن با واکنش های مختلف انتقال حرارت. (ماخذ: لکنر ۱۳۸۵، ۵۵)

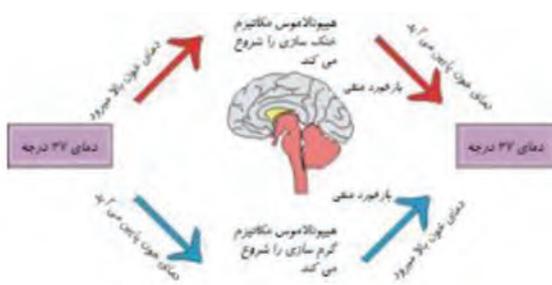
شناسی جالینوسی معرفی می کند. وی عوامل درون گرای، تفکر و قضاوت گری طبق شخصیت شناسی بریگز و مایرز را موجب سودایی شدن شخصیت، عوامل درون گرای، احساسی بودن و ادراکی بودن را موجب بلغمی شدن، عوامل برون گرای، احساسی بودن و ادراکی بودن موجب دموی شدن و عوامل برون گرای، تفکر و قضاوت گری را موجب صفراوی شدن فرد می داند. (جدول ۳)

جدول ۳. تطبیق مزاج شناسی سنتی با تیپ های شانزده گانه MBTI (ماخذ: نگارنده به نقل از www.truity.com)

ISTJ سودایی	ISFJ بلغمی/سودایی	INFJ سودایی/بلغمی	INTJ سودایی/ صفراوی
ISTP سودایی/دموی	ISFP بلغمی/دموی	INFP بلغمی	INTP بلغمی/ صفراوی
ESTP صفراوی/ دموی	ESFP دموی	ENFP دموی/بلغمی	ENTP دموی/ صفراوی
ESTJ صفراوی/ سودایی	ESFJ دموی/سودایی	ENFJ صفراوی/ بلغمی	ENTJ صفراوی

از دیگر روانشناسان شخصیت، هانس آیزنک^{۷۰} است. وی در تحقیقاتش اثبات نمود از نظر سطح پایه انگیزتگی مغزی برون گرایان رده پایین تری نسبت به درون گرایان قرار دارد. بطوریکه به محرک های حسی منبعث از محیط واکنش کمتری نسبت به درون گرایان نشان می دهند. وی دریافت علاوه بر این روان رنجور خوبی (نا پایداری)

70. Hans Eysenck



تصویر ۱. حفظ تعادل حرارتی بدن با مکانیزم های خنک سازی و گرم سازی با دستور هیپوتالاموس. (ماخذ: www.moodlebeverleyhigh.net)

روانی چهارگانه حس کردن^{۵۷} در مقابل شهود کردن^{۵۸} و احساسی بودن^{۵۹} در مقابل متفکر بودن^{۶۰} را در برخورد با مسائل روانی بر می شمارد. در مجموع یونگ هشت تیپ شخصیتی را تقسیم بندی می کند. (Schultz 2005) این تیپ ها در تمرکز انرژی روانی برون گرا هستند یا درونگرا، در برخورد با مسائل از حواس بهره می گیرند یا از الگوهای ذهنی شهودی و در تصمیم گیری احساسی یا متفکرانه عمل می کنند. این تئوری بعدها توسط کاترین بریگز^{۶۱} و ایزابل مایرز^{۶۲} توسعه یافت. آنها دو کارکرد ادراک کنندگی^{۶۳} و قضاوت گری^{۶۴} را به عنوان سبک زندگی به نظریات یونگ افزودند و تیپ های شانزده گانه را تدوین کردند. (Schultz 2005, 114)

دیوید کیرسی^{۶۵} ضمن تیپ بندی چهارگانه شخصیتی خود انطباقی هم بین مزاج شناسی سنتی و تیپ بندی بریگز انجام داده است. وی چهار تیپ شخصیتی هنرمند^{۶۶}، محتاط^{۶۷}، آرمان گرا^{۶۸} و خرد گرا^{۶۹} را معرفی می کند و تیپ هنرمند را منطبق با شخصیت دموی، محتاط را سودایی، آرمان گرا را بلغمی و خرد گرا را صفراوی مطابق با شخصیت

- 57. Sensing
- 58. Intuition
- 59. Feeling
- 60. Thinking
- 61. Katharine Cook Briggs
- 62. Isabel Briggs Myers
- 63. Perception
- 64. Judging
- 65. David Keirsay
- 66. Artisan
- 67. Guardian
- 68. Idealist
- 69. Rationalist

شخصیت شناسی ۵ عاملی	برون گرایی E	گشودگی O	توافق A	وظیفه شناسی C	پایداری هیجانی N
شخصیت شناسی MBTI	برون گرایی-درون گرایی (I vs E)	حسی-شهودی (S vs N)	احساسی-متفکر (F vs T)	ادراکی-قضاوتگری (P vs J)	-
تبدیل	اگر $E > I$	اگر $O > N$	اگر $A > F$	اگر $C > J$	-
	اگر $I > E$	اگر $S > O$	اگر $T > F$	اگر $P > J$	-

گرفتند. (نمودار ۴)

تئوری های نوین شخصیت شناسی از حالت دو قطبی خارج شده اند و طیفی از درون گرایی تا برون گرایی تعریف می کنند که هر شخصیت با توجه به آزمون و امتیاز شخصی در هر فاکتور در جایی از این طیف ها قرار می گیرد. از مهمترین این نوع شخصیت شناسی، آزمون پنج عاملی NEO است که توسط مک کری و کاستا^{۷۷} طراحی شده است. در این آزمون سطح برون گرایی، هیجان پذیری، توافق، گشودگی و با وجدان بودن تعیین می شود. می توان انطباقی هم بین این آزمون و شخصیت شناسی بریگز (MBTI) در نظر گرفت که در جدول زیر مشاهده می شود. (جدول ۴) (Ashton, 2013, 44)

اشتون و ولی^{۷۸} در آزمون دیگری که به HEXACO معروف است شش عامل تواضع، صداقت^{۷۹} H، هیجان پذیری^{۸۰} E، برون گرایی^{۸۱} X، توافق^{۸۲} A، با وجدان بودن^{۸۳} C و گشودگی^{۸۴} O را می سنجد و هر عامل را با چهار سنجه ارزیابی می کند و بدین ترتیب ۲۴ ویژگی شخصیتی که هر چهار ویژگی در مورد یک عامل شخصیتی است را مورد ارزیابی قرار می دهد و تبیین نسبتاً دقیقتری از آزمون های پیشین انجام می دهد^{۸۵} (Ashton, 2007)



نمودار ۴. انطباق تیپ های شخصیتی آیزنک با شخصیت شناسی سنتی. (ماخذ: Eysenck & Eysenck, 1985)

عامل روانی دیگری است که در شدت واکنش نشان دادن موثر است. بطوریکه شخصیت های روان رنجور نسبت به شخصیت ها با پایداری هیجانی واکنش های شدید تری نشان می دهند. بدین ترتیب آیزنک چهار تیپ شخصیتی درون گرای پایدار^{۷۱} (IS) برون گرای پایدار^{۷۲} (ES) درون گرای نا پایدار^{۷۳} (IN) و برون گرای نا پایدار^{۷۴} (EN) را برشمرد. (Eysenck, 1985) وی تحت تاثیر انسان شناسی پراگماتیکی^{۷۵} کانت^{۷۶} این چهار شخصیت را مطابق با شخصیت شناسی سنتی قرارداد، بطوریکه شخصیت درون گرای پایدار با بلغمی مزاجها، درون گرای نا پایدار با سودایی مزاجها، برون گرای پایدار با دموی مزاجها و برون گرای ناپایدار با صفاوی مزاجها در تشابه شخصیتی قرار

71. Introversion Stable
72. Extraversion Stable
73. Introversion Neuroticism
74. Extraversion Neuroticism
75. Pragmatic Anthropology
76. Immanuel Kant

77. Mc Crae & Costa
78. M. C. Ashton & K. Lee
79. Honesty-Humility
80. Emotionality
81. Extraversion
82. Agreeableness
83. Conscientiousness
84. Openness to experience

۸۵. در جدول زیر سنجه های مورد نظر برای سنجش هر یک از عوامل شش گانه آمده است:

جدول ۵. تطبیق ویژگی های بومی و شخصیتی در نظریه های گوناگون (ماخذ: نگارنده)

سرد و مرطوب	سرد و خشک	گرم و مرطوب	گرم و خشک	اقلیم ها	نظریه سازگاری اقلیمی
پرمجاز، مترقی، شجاع	برونگرا، فعال، بی ثبات	ساکت، آرام، سازگار	محتاط، محدود، کم حرف	ویژگی های شخصیتی	
Sanguine باشاش، خوشبین، مشتاق	Choleric بداخلاق خشمگین، تحریک پذیر	Phlegmatic تنبل، بیطرف، بی هیجان	Melancholy بدبین، مغموم	شخصیت شناسی بقراط و جالینوس	
دموی	صفاوی	بلغمی	سودایی	نظر حکمای اسلامی	
E-S برونگرای پایدار	E-N برونگرای ناپایدار	I-S درونگرای پایدار	I-N درونگرای ناپایدار	نظر هانس آیزنک	
E/ F,P	E/ T,I	I/ F,P	I/ T,I	نظر کاترین بریگز (MBTI)	
صنعتگرها	آرمانگراها	خردگراها	محتاطها	نظر کیرسی	
-E ⁺ / A ⁺ , C	+E ⁺ / A ⁻ , C	-E ⁻ / A ⁺ , C	+E ⁻ / A ⁻ , C	نظر مک کری و کاستا (NEO)	
-X ⁺ / A ⁺ , C	+X ⁺ / A ⁻ , C	-X ⁻ / A ⁺ , C	+X ⁻ / A ⁻ , C	نظر اشتون و لی (HEXACO)	

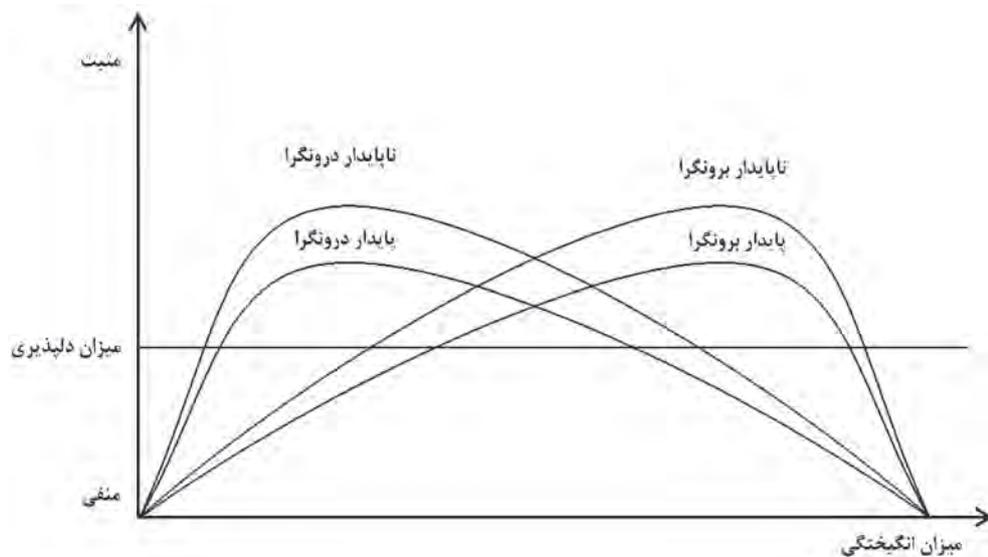
زیبایی شناسی در شخصیت های گوناگون

سیستم های ارزشی نظام های گوناگون اجتماعی در فرایند فرهنگ پذیری بخشی از شخصیت مشترک افراد جامعه را ایجاد می کند. با توجه به تأثیرات بوم و فرهنگ بر شخصیت روانی افراد می توان جنبه مشترک آثار اندیشمندان و هنرمندان جامعه را مورد پژوهش قرار داد و متغیرهای محیطی موثر را معرفی نمود. در زمان و مکان مشخص می توان ارتباط بین ویژگی های بوم فرهنگی و آثار هنری از این طریق تبیین نمود. بطور مثال یک انگلیسی از طبقه متوسط که در یک خانه تک خانواری مشرف بر باغچه ای کوچک زندگی می کند نمی تواند در یک محله سنتی قاهره یا دمشق دوام بیاورد. این موضوع ریشه ای فرهنگی دارد و تابع تصورات فرد در مورد تناسب بین جسم و منیت اوست. «منیت یک انگلیسی فراتر از جسمش می رود. محیط نزدیک او جزئی از منیت اوست و به این دلیل او یک تماس جسمی را تجاوزی به محیط خصوصی خویش تلقی می کند اما منیت یک عرب داخل جسم اوست و ورود به محیط خصوصی اش به معنای تجاوز به منیت او نیست (گروتر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). آیزنک در شخصیت های درونگرا و برون گرا این موضوع را چنین بیان می کند. افراد درونگرا بر خلاف افراد برون گرا با انگیزتگی کمتری به حد دلپذیری می رسند. وی نمودار زیر را در مورد حد دلپذیری شخصیت های درونگرا و برون گرا ترسیم کرده است. (همان، ۱۵۷) (نمودار ۵)

فرهنگ های گوناگون فضا را با حواس بینایی

(Bashiri ۲۰۱۱). در جدول بالا شش عامل یاد شده و ویژگی های چهارگانه هریک را به تفکیک مشاهده نمود. (جدول ۵)

عامل	سنجه
تواضع - صداقت	صمیمیت
	انصاف
	اجتناب از حرص و آز
هیجان پذیری	حجب و حیا
	ترس
	اضطراب
برون گرایی	وابستگی
	احساسی بودن
	عزت نفس اجتماعی
سازگاری-دلپذیری	جسارت اجتماعی
	معاشرت پذیری
	سر زندگی
وظیفه شناسی-باوجدان بودن	بخشش
	ملازمت
	انعطاف پذیری
گشودگی به تجربه	صبر و شکیبایی
	سازمان دهی
	سخت کوشی
نوع دوستی	کمال گرایی
	دور اندیشی
	درک زیبایی
	کنجکاوی
	خلایقت
	تجدد
	-



نمودار ۵. زیبایی شناسی حسی برای چهار نوع شخصیت از نظر آیزنک؛ مأخذ: نگارنده با نگاهی به گروت، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷.

و شنوایی به صورت‌های مختلفی ادراک می‌کنند. ژاپنی‌ها نیازی به جدا کننده‌های صوتی در تفکیک فضایی ندارند. دیوارهای نازک کاغذی برای آنان به جهت تفکیک فضاها کافیهست. در مقابل برای اروپایی‌ها بویژه آلمانی‌ها و هلندی‌ها تفکیک فضاها با دیوارهای قطور که تفکیک سمعی و بصری انجام می‌دهند معنی پیدا می‌کند (هال، ۱۳۷۶، ص ۶۱). همچنین افراد برونگرا بیش از دیگران به تزئین خانه اهمیت می‌دهند. این تمایل نه تنها در افراد برونگرا بلکه در گروه‌های برونگرا نیز وجود دارد. نگرش‌های محیطی با نگرش‌های اجتماعی و عضویت در

گروه‌های اجتماعی همراه است (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). فرایند جامعه پذیری نه تنها در یک محیط اجتماعی و فرهنگی بلکه در یک محیط جغرافیایی نیز بصورت مشترک است. مکان جایگاه نمادهای طبیعی و انسان ساخت مشترک است. پهنه‌های جغرافیایی مختلف، سکونت منحصر بفردی را می‌پذیرد و ارائه می‌دهد. بطور مثال بام شیبدار و شیروانی معرف اقلیم و ویژگی‌های طبیعی بستر است و از آنجا که تداعی کننده معانی بومی است، نماد یک جغرافیای خاص می‌باشد. بدین ترتیب در بوم فرهنگ‌های مختلف می‌توان از نظر درک ارزشهای حسی و فرمی و نیز

جدول ۶. ویژگیهای طراحان با شخصیت‌های گوناگون، مأخذ: نگارنده؛ برگرفته از (2010, Carl Matthews. et, al)

ویژگی‌های شخصیتی	ملاحظات طراحی معماری
I درونگرایی	تمایل به ایجاد توالی‌های غیر مستقیم ورودی، فضای نیمه باز داخلی و فضاهای مجزاتر عمومی از خصوصی دارد. به حفظ حریم بسیار اهمیت داده و از باز شوهای رو به داخل استفاده می‌نماید.
E برونگرایی	تمایل به ساخت توالی‌های ورودی مستقیم، فضای داخلی بازتر داشته و جدایی کمتری بین فضای داخلی عمومی و خصوصی ایجاد کرده اند. طرح آنان به دنیای بیرون بینهایت باز بوده، ترکیب بندی بازی دارد و ورودی‌های بزرگی را در خیابان ایجاد می‌کنند. برون گرا ها اغلب فضای خواب را به فضای پذیرایی و حمام را به فضای خواب باز می‌گذارند.
S حسی	تمایل به اطلاعات ملموس دارند. بنابراین، شخصیت‌های حسی نظم و ترتیب، تقارن، و شبکه بندی فضایی را ترجیح می‌دهند. آنها همچنین مایل به ساخت توالی‌های مستقیم تر بوده و از غنای یافت جلوگیری می‌کنند و بافت‌های مترتیب بسیار ناچیز می‌باشد. در طرح افراد حسی، دسترسی به فضای پذیرایی اصلی مستقیماً از نشیمن و فضای خصوصی است. مجموعاً در طرح آنان حس قوی نظم و ترتیب و تکیه بر شبکه سازمان دهی برای ترکیب فضای داخلی و خارجی خانه مشاهده می‌گردد.

ویژگی های شخصیتی		ملاحظات طراحی معماری
N	شهودی	تمایل به ساخت ورودی های غیر مستقیم داشته و غنای بافت را ترجیح می دهند. آنان ورودی غیر مستقیم راه پله به خانه و استفاده از بافت بتن به عنوان مصالح ساختمانی را مناسب تر می دانند. فضاهای پذیرایی در نظر آنان در اولویت دوم قرار دارد، که رویکردی غیر معمول به نظر می رسد. در طراحی این افراد می توان وجود فضاهای مخفی با دسترسی خاص را مشاهده نمود.
T	متفکر	تمایل به ایجاد سلسله مراتب و تفکیک فضایی دارند و نظمی ناشی از توالی بخش ها را می پسندند. آنان از بکارگیری رنگ در طرح داخلی اجتناب کرده و در صورت استفاده رنگ های سرد را ترجیح می دهند. آنان تمایلی به ایجاد فضای داخلی باز و سیال ندارند. برای ایشان پارتیشن کوتاه معنایی نداشته و از دیوار با ارتفاع کامل استفاده می کنند.
F	احساسی	فضای باز و سیال داخلی را می پسندند و از رنگ گرم در طراحی استفاده می کنند.
J	فضاوتگر	آنها به مجزا کردن فضاهای خصوصی و عمومی تمایل دارند. شخصیت های قضاوتگر دوست دارند فضای عمومی و خصوصی را از هم تفکیک کرده به طوریکه بتوان از فضای خصوصی یا نیمه خصوصی بر فضای عمومی نظارت کرد. آنان سلسله مراتب فضایی و سازمان دهی شبکه ای را ترجیح می دهند و عموماً به جزئیات دقیق اشیاء توجه دارند. این گونه افراد به داشتن فضای شخصی خیلی اهمیت می دهند.
P	انعطاف پذیر	آنان تفکیکی بین فضای عمومی و خصوصی ایجاد نمی کنند. دیوارها را بصورت مشبک و نیمه باز طراحی می کنند. آنان به فضاهای بزرگ شیشه ای به سمت داخل و مبلمان و محصولات چوبی کوچک برای تقسیم و سازمان دهی فضاهای داخلی علاقه مندند.

۱- انتخاب ماده؛ ۲- پرورش و اعمال و فرایندهای مختلف روی آن؛ ۳- به کارگیری آن در فضا متناسب با ویژگی های فضاها این دسته بندی را می توان در نوشته های رایج درباره مصالح مشاهده نمود. وی می گوید: «هویت سطح دیوار به نوع سنگ، نوع بنا و نوع معمار بستگی دارد» (رایت، ۱۳۷۹، ص ۲۷). در انتخاب مصالح جبر محیطی موجب می گردد محدودیت در گزینش وجود داشته باشد هر چند که برای ساخت برخی بناهای یادمانی در انتخاب مصالح با نگاهی وسیع تر، گزینه ها افزایش یافته و نقش ویژگی های شخصیتی و فرهنگی پررنگ تر شده است. منظور از فرایندهای مختلف و پرورش، اعمالی است که لازم است روی مصالح پیش از به کارگیری انجام شود مثلاً ساب زدن، نقش انداختن، فرم و هندسه بخشیدن و... این مرحله استعدادهای ذاتی مصالح را شکوفا و توانایی های بالقوه مصالح را بالفعل می کند. نحوه فراوری به کارگیری مصالح یکسان در بوم های فرهنگی مختلف با توجه به شخصیت عمومی آن مناطق تعیین می گردد. در منابع تاریخی این موضوع در سبک ها و دوره های تاریخی مختلف بشر مورد توجه قرار گرفته است. لیکن بوم شناسان فرهنگی فرایندهای گوناگون به کارگیری مصالح را علاوه بر دوره های تاریخی مربوط به ویژگی های بوم فرهنگی می دانند. مرحله سوم انتخاب و استفاده از مصالح مربوط به

ارزش های نمادین و تداعی کننده اشتراکاتی بین افراد جامعه مشاهده نمود.

برخی پژوهشگران در رابطه ویژگی های شخصیتی با ترجیحات فضایی پژوهش نموده اند. بطور مثال کارل متسیوس^{۸۶} در مورد انطباق ترجیحات معماری و شخصیت شناسی MBTI تحقیق نموده و به نتایج در خور توجهی رسیده است که به اختصار در جدول زیر می توان به نتایج این تحقیق اشاره نمود. (جدول ۶) (Matthews، ۲۰۱۰).

مصالح گزینی بر اساس ترجیحات منطبق با ویژگی های شخصیتی

ماده و مصالح وجه کالبدی فضا را تشکیل می دهند. مصالح حدود و مرزهای فضا را تعیین کرده و آن را از حالت ذهنی و انتزاعی در آورده و به آن عینیت می بخشند. مطابق با نظر روانشناسان، رفتار آدمی معلول فرایندهای روانی وی، شامل شناخت و ادراک محرک های گوناگون است و روانشناسان شخصیت معتقدند شناخت، ادراک و رفتار آدمی نسبی است و به ویژگی های شخصیتی مرتبط داشته شده است. انتخاب مصالح و استفاده از آن در معماری سه رفتار مجزا را شامل می شود:

ویژگی‌های فضایی مختلف است. مصالح در معماری به مشابه ماده خالی است که با آن ظرفی به نام فضا ساخته می‌شود. بدیهی است که این ظرف متناسب با منظروف پدید خواهد آمد بدین ترتیب بین اختلاف ماده و منظروف نسبت تنگاتنگی وجود دارد. هر فضا با توجه به کارکرد و اهمیت، محدودیت‌ها و ضرورت‌هایی را در نوع مصالح حکم می‌کند. شخصیت عمومی افراد هر فرهنگ درجه اهمیت خاصی به کاربری‌ها، جداره‌ها و فضاها می‌دهد. مثلاً برخی فرهنگ‌ها به نمود بیرونی بنا بیشتر اهمیت می‌دهند و در نظر دارند سیمای عمومی ساختمان زیبا و بی نقص جلوه کند بدین ترتیب مصالح گران قیمت و طرح‌های چشم نواز را در سیمای خارجی به کار می‌برد در حالیکه در فرهنگ‌های دیگر جلوه بیرونی چندان مهم نبوده و مجلل‌ترین مصالح در درون بنا و طراحی داخلی به کار گرفته می‌شود.

انتخاب مصالح همان‌طور که بیان شد بیشتر تحت اجبار محیطی صورت می‌گیرد در حالیکه نحوه فراوری و به کارگیری مصالح (مرحله دوم) و مکان به کارگیری مصالح (مرحله سوم) موضوعاتی است که به اراده بومیان صورت گرفته و بهتر می‌تواند ویژگی‌های شخصیت گروهی در فرهنگ‌های مختلف را نمایش دهد همچنین در این دو مرحله، بحث به کارگیری و انتخاب مصالح را با تزیینات گره می‌زند. چرا که تزیینات بستگی زیادی به نوع مصالح داشته و این دو مقوله پیوندی ناگسستنی در طراحی فضا دارند.

به موضوع انتخاب و به کارگیری مصالح از جنبه‌های مختلفی می‌توان پرداخت. در منابع معماری تا کنون اکثراً پژوهش در مورد تکنولوژی ساخت و فراوری، خواص فیزیکی در جهت انطباق با اقلیم و کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی، مقرون به صرفه بودن، بازیافت و ... انجام شده است و در پژوهش حاضر سعی شده نقش پسندهای شخصی در به کارگیری مصالح مورد کاوش قرار گیرد. پسند و ناپسند واقع شدن یک جسم در مرحله اول پس از ادراک آن جسم صورت می‌گیرد. این ویژگی‌ها شامل وزن، بافت، رنگ، میزان انعکاس نور، رایحه و آوا می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود حواس بساوایی، بینایی، شنوایی و بویایی در این انتخاب با قدرت و ضعف‌هایی درگیر هستند. ابعاد، رنگ و میزان انعکاس نور مستقیم با بینایی، وزن و بافت با بساوایی و بینایی آوا با شنوایی و رایحه با بویایی درک

می‌شوند. آوا علاوه بر ویژگی‌های مصالح به حجم فضا بستگی دارد رایحه بستگی به میزان رطوبت، نوع مصالح، کاربری و عمر بنا دارد.

ابعاد هندسی و وزن تعیین کننده چینش‌های خاص مصالح در کنار هم می‌باشند این دو عامل به جداره‌های مختلف ریتم‌های گوناگون می‌بخشند، علاوه بر اینکه خود با چینش‌های خاص، می‌توانند جلوه‌ای تزیینی یابند. همچنین می‌توانند پیش زمینه تزیینات دیگر نیز به شمار بیایند. رنگ مصالح نیز علاوه بر قابل رویت نمودن فضا جنبه‌ای تزیینی دارد. رنگ مصالح می‌تواند طبیعی و گویای ذات درونی آنان باشند و یا اینکه با فرایند‌هایی رنگ مصالح اصلاح شود. این فرایندها شامل رنگ کردن، لعاب زدن، گداختن، ساییدن و ... می‌باشد. بافت و میزان انعکاس نور و صدا در یک رابطه تنگاتنگ با هم قرار داشته و حواس بینایی، بساوایی و شنوایی را همزمان تحریک می‌کنند بدین ترتیب با دیدن یک ماده می‌توان علاوه بر تخمین وضعیتش در برابر نور، بافت و میزان انعکاس صدایش را به طور ناخودآگاه در ذهن تجسم نمود. بدین ترتیب انتظار ما از بافت صیقلی، انعکاس بالای صوت و نور می‌باشد. علاوه بر ویژگی‌های ذاتی، زمان عامل تعیین کننده رایحه مصالح است و برخی مصالح همچون چوب‌های معطر در گذر زمان از شدت رایحه آنها کاسته می‌شود و برخی مصالح همچون خشت و کاهگل در گذر زمان دچار تغییر رایحه می‌شوند. عامل رطوبت و نزولات جوی نیز در انتقال رایحه مصالح نقشی اساسی ایفا می‌کند به طور مثال در مناطق شمالی حس بویایی در ادراک فضایی خانه‌های «گالی پوش» به واسطه رطوبت بالای آن مناطق بیشتر از مناطق خشک نقش دارد.

پس از ادراک ویژگی‌های ظاهری مصالح بنابر شخصیت فردی انتخاب و به کارگیری آن صورت می‌پذیرد. این انتخاب نوعی رفتار آگاهانه است. از طرفی آگاهی از ویژگی‌های مصالح و از سوی آگاهی از نیازها و تمایلات شخصی. انتخاب زمانی صورت می‌پذیرد که بیشترین تطبیق بین نیازها و ویژگی‌ها ایجاد شود. در بسیاری از موارد برای همگرا کردن نیازها و ویژگی‌ها، در خواص طبیعی ماده تغییراتی صورت می‌پذیرد و همانطور که پیشتر اشاره شد اولاً ماده طبیعی، فراوری می‌شود و ثانياً مصالح متنوع متناسب با ویژگی‌های فضایی به کار گرفته می‌شود.

نقش فراوری در تغییر ویژگی‌های مصالح

فراوری و مصالح وجنبه تزئینی دادن به مصالح در ساخت فضا می‌تواند صفات متفاوت و حتی متضادی به مصالح بدهد بطور مثال ذات طبیعی چوب نرم، بافت دار و ابریشم گونه است اما چنانچه با رزین و روغن پوشش داده شود صیقلی شده و حالت ابریشم‌گونگی خود را از دست می‌دهد (لوید رایت b، ۱۳۷۲، ص ۱۶). گل رس نرم، شکل پذیر و منعطف است و در اثر بارش شسته می‌شود. نسبت به فصول تأثیر پذیر است، علاوه بر حواس بینایی و بساواپی، بویایی را با قدرت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از هندسه پذیری می‌گریزد به همین علت چنانچه استواری سطح با مصالح دیگری ایجاد شده باشد می‌تواند به عنوان اندود به کار برود. همین ماده در برابر حرارت سخت می‌شود و فشار را تحمل می‌کند در عین حال از شکل پذیری و رایحه مندی آن کاسته می‌شود. قابلیت هندسه پذیری می‌باید و در برابر بارش تغییر شکل نمی‌دهد. چینش قطعات مختلف آجر و خشت ریتم به جداره‌ها می‌بخشد که با حدود و بندهای بین قطعات ایجاد می‌شود. تأکید بر ریتم این جداره‌ها تا حدی است که در مواردی در بین قطعات نیز تزئین شده است. ایجاد چینش‌های مختلف قطعات آجر عرصه مهمی برای بروز خلاقیت‌های معماران در طول تاریخ بوده است. افزودن لعاب و پخت مجدد آجر در کوره، کاشی را به وجود می‌آورد که گشایش مهم دیگری در تاریخ معماری و مصالح است. لعاب، رنگ و سطح بافت دار آجر را اصلاح نموده و جلوه‌ای کاملاً متفاوت به آن می‌بخشد. هم‌نوایی ذاتی آجر و کاشی در ترکیبات معقلی به خوبی مشاهده شده و ریتم یاد شده در سطوح را تکامل بیشتری می‌بخشد همچنین تنوع رنگ و نقش در کاشی کاری معرق و هفت رنگ امکانی بی پایان برای بروز خلاقیت طراحان ایجاد می‌کند. نیازهای درونی طراح و ویژگی‌های شخصیتی وی ممکن است ایجاب کند با نگاهی پرهیزکارانه از ایجاد نقش و رنگ و تزئینات پیچیده پروا کند و ممکن است قوه تخیل خود را بدون هراس به پرواز در آورد و پر نقش‌ترین و متنوع‌ترین ترکیبات بصری را ایجاد نماید (لوید رایت c، ۱۳۷۲) و (نوایی، ۱۳۹۰).

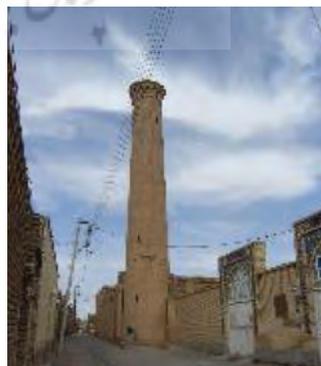
سنگ نیز از جمله مصالح پُر استفاده در ساختمان سازی است که با ویژگی‌های خود امکانات فراوانی را در اختیار طراحان قرار داده است. در بکار بردن سنگ می‌توان چهره ذاتی اش را حفظ نمود و یا با برشکاری و ابزار زنی‌های ویژه قدرت تکنولوژی را نمایش داد. سنگ‌ها با ساب خوردن پیراسته شده و می‌توانند اسرار درون خود را فاش نمایند. برخی سنگها در میانه طیفی از شفافیت و کدورت هستند و



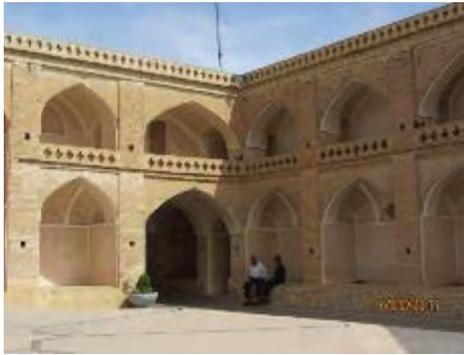
تصویر ۲. نطنز. مزار شیخ عبدالصمد. مقرنس پیچیده فضای داخلی گنبد خانه و استفاده تزئینی از نور اهمیت این فضا را نمایش می‌دهد. (ماخذ: نگارنده)



تصویر ۳. زواره خانه هشت بهشت. ترکیب فرش کف با آبنما و کاشی کاری ویژه آبنما. (ماخذ: تسلط ۱۳۹۶)



تصویر ۴. زواره مناره مسجد بنکویه. ضمن ایجاد خوانایی از تنوع مصالح پرهیز شده است. (ماخذ: تسلط ۱۳۹۶)



تصویر ۵. زواره مسجد جامع پرهیز از تعدد مصالح جداره سازی. برخلاف مناطق سرد از اجرای سنگ ازاره با نقوش برجسته صرف نظر شده است (ماخذ: تسلط ۱۳۹۶)



تصویر ۶. زواره. خانه هشت بهشت. تمایل به استفاده از رنگ سفید و روشن در فضای داخلی (ماخذ: تسلط ۱۳۹۶)



تصویر ۷. نطنز. ورودی مزار شیخ عبدالصمد. تزئینات ریز نقش. (ماخذ: نگارنده)

در نتیجه طرح هایی سه بعدی و عمیق را در سطح به نمایش می گذارند. برخی طراحان از این ویژگی سنگ استقبال کرده و تنها به پیرایش و ساییدن سنگ اکتفا می نمایند. از نقوش طبیعی آن به عنوان تزئین استفاده می کنند. برخی طراحان با ابزارهای ویژه و دقت فراوان سنگ را همچون موم در دستانشان شکل می دهند و اقتدار و قدرت خود را به نمایش می گذارند. برخی طراحان از قرار دادن انواع سنگها در کنار هم نقشی موزاییکی را پدید می آورند و از نگاهی بیرونی با سنگ رابطه برقرار می کنند. در مقابل برخی طراحان خواستار آنند که شکل طبیعی سنگ را حفظ نمایند. آنان سعی می کنند به گونه ای حجاری کنند که سطح خشن سنگ حفظ شود (لوید رایت a, ۱۳۷۲).

شیشه نیز جزء مهمترین مصالح است. ساخت شیشه های جام در ابعاد بزرگ در دوره مدرنیسم امکان پذیر شد. پیش از آن ابعاد شیشه محدود بوده و به ناچار برای پوشاندن سطوح گسترده از شیشه در ساختارهای مشبک چوبی یا فلزی استفاده می شده است بدین ترتیب شیشه همواره در قاب معنا می یافت و همچون جواهری که در رکاب خاص آویخته می شود از آن استفاده می شد. از این رو شیشه نقشی بسیار محترم در بین مصالح یافت. در دوران مدرن از مادیت شیشه به حدی کاسته شد که می توان از آن به عنوان غیر مادی ترین ماده یاد نمود بطوریکه ضمن حفظ محصوریت فیزیکی، هیچگونه محدودیت بصری ایجاد نمی نماید. آب، شیشه، نور و آینه پیوندی معنایی و ارجمند دارند. شیشه عرصه فراخی برای خلاقیت طراحان در طول تاریخ معماری بوده است. برخی طراحان از آن در ابعاد محدود استفاده نموده اند تا بر اهمیت ارزش فضای درونی بیافزایند. برخی آن را در ابعاد بزرگ بکار برده اند تا نیاز به ارتباط با محیط (طبیعی و مصنوع) را مورد تاکید قرار دهند و ترس تنهایی انسان در فضا را کاهش دهند. برخی بر غیر مادی بودن این مصالح تاکید نموده اند و با غیر قابل رویت کردن آن به مقصود رسیده اند (لوید رایت، ۱۳۷۳) و برخی با نقوش و سطوح رنگی علاوه بر تاکید بر جنبه تزئینی سطوح شیشه ای بر حضور متفاوت نور و اهمیت نور تاکید نموده اند. استفاده از آینه را می توان نقطه کمال حضور شیشه در معماری به عنوان مصالح دانست. آینه بیش از هر مصالح دیگری مادیت فضا را می زداید؛ چرا که همواره اشاره به سوی مقابلش دارد. می توان با استفاده از آن فضایی کوچک را فراخ داد و زمانی که آینه در قطعات کوچک تر و با ساختاری هندسی و دقیق در کنار هم قرار گیرند جلوه ای خاص، پیچیده و زنده به فضا می بخشد. (نوابی ۱۳۹۰) همانگونه که مشاهده

می‌شود عناصر طبیعی با نوع فراوری و نحوه بکارگیری در فضا می‌توانند عرصه بروز خلاقیت معمار باشند و ویژگی‌های شخصیتی طراح را به بهترین نحو نمایش دهند. معماران در سیر تاریخی و مکانی با همین واژگان مختصر اشعار منحصر به فردی سروده‌اند؛ شعری که آینه شخصیت آنهاست و گویای جهان بینی و سبک زندگی ایشان است.

در ادامه بررسی تطبیقی در مصالح گزینی بین عوامل موثر و مشترک بوم و شخصیت در بوم فرهنگ‌های مختلف خواهد آمد. عوامل مشترک و موثر بومی-شخصیتی طبق شخصیت شناسی سنتی عبارتند از سردی-گرمی و خشکی-تری. این عوامل موجب بوجود آمدن مزاج‌های سوایی، بلغمی، دموی و صفراوی می‌گردند. عامل خشکی-تری شخصیت با رطوبت بومی رابطه مستقیم داشته و عامل سردی-گرمی با دمای محیط رابطه معکوس دارد. عامل سردی مقارن با درون گرایی، عامل گرمی مقارن با برون گرایی است. عامل رطوبت مقارن با احساسی و ادراکی بودن (در MBTI) و توافق مثبت و وظیفه شناسی منفی (در HEXACO) است. عامل خشکی مقارن با متفکر و قضاوتگر بودن (در MBTI) و توافق منفی و وظیفه شناسی مثبت (در HEXACO) است.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

با بررسی‌های انجام شده بین مصالح و تزیینات بناهای منتخب در اقلیم‌های گرم و خشک، سرد و خشک، معتدل و مرطوب و گرم و مرطوب ایران می‌توان الگوی بکارگیری ماده و ترجیحات معماران در مورد نحوه کاربست مصالح و تزیینات در انطباق با ویژگی‌های شخصیت پایه و بوم هر منطقه ذکر نمود. در این تحقیق بوم معتدل و مرطوب شمال کشور و منطقه گرم و مرطوب جنوب، مجموعاً به عنوان بوم مرطوب در نظر گرفته شده است. در این بررسی مزار عون ابن علی در ماسوله و برخی سقافارهای مازندران و مساجد جامع قشم، بستک، توریان و مسجد گله داری بندر عباس به عنوان نمونه‌های منطقه مرطوب؛ مزار شیخ عبدالصمد در نطنز و آثار مختلف شهر زواره به عنوان نمونه بوم گرم و خشک؛ گنبد سلطانیه و مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی به عنوان نمونه‌های بوم سرد و خشک مورد مشاهده عمیق قرار گرفته‌اند.

در اقلیم گرم فضای اندرونی و داخلی نسبت به ورودی و تاج بنا اهمیت بیشتری دارد و مصالح بکاررفته در این قسمت‌ها گرانیقیمت تر و تزیینات آن پرکارتر هستند. (تصاویر ۲ و ۳) عدم تمایل به استفاده از مصالح متعدد بویژه در جبهه عمومی بنا (تصاویر ۴ و ۵) تمایل



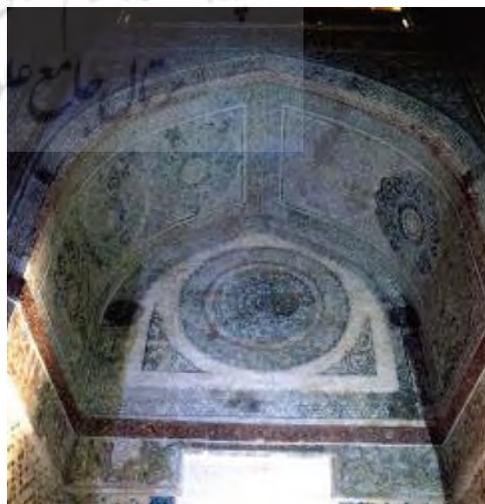
تصویر ۸. سلطانیه. گنبد سلطانیه. تشخیص فرم و مصالح گنبد در شهر. (مأخذ: نگارنده)



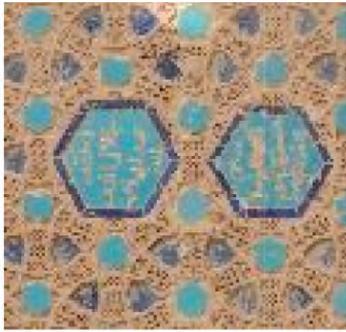
تصویر ۹. اردبیل مزار شیخ صفی. چینی خانه. استفاده از رنگ گرم در ساخت جداره‌های داخلی (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۰. سلطانیه گنبد سلطانیه. بکارگیری مصالح با چینش هندسی شکسته در کنار هم (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۱. سلطانیه گنبد سلطانیه. استفاده از تزیینات درشت نقش (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۸. سلطانیه گنبد سلطانیه. بکارگیری ساختار هندسی منظم و گره چینی آجری (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۸. نطنز. مسجد جامع. گچبری برجسته، استفاده از نوشتار در بین تزئینات تجریدی. (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۹. نطنز. مزار شیخ عبدالصمد. (مأخذ: نگارنده) تصویر ۲۰- سلطانیه. گنبد سلطانیه. (مأخذ: نگارنده) ایجاد تزئینات نوشتاری بجای تزئینات صوری.



تصویر ۲۰. نطنز مسجد جامع (مأخذ: نگارنده) تصاویر ۲۱ و ۲۲ سلطانیه. گنبد سلطانیه. (مأخذ نگارنده) سخت کوشی، مهارت و ریزه کاری در تزئین بندهای بین آجرها.



تصویر ۱۲. ماسوله. مزار عون ابن علی. استفاده از اندود کاری روی سفت کاری ارجحیت دارد (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۳. ماسوله. مزار عون ابن علی. استفاده از رنگهای متنوع در تزئینات. (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۴. بستک مسجد جامع (مأخذ: نگارنده) و تصویر ۱۵ بندر عباس، مسجد ملک ابن عباس (مأخذ: hormoz.ir) استفاده از خطوط منحنی پر پیچ و خم در تزئینات.



تصویر ۱۶. استفاده از تصاویر عینی در تزئینات و ترجیح دادن ترسیم با دست آزاد و عدم بکارگیری ابزارهای خاص. (مأخذ: tabarestanmag.ir)



تصویر ۱۷. نطنز. مزار شیخ عبدالصمد. ایجاد تزئینات پرکار، ماهرانه، سه بعدی، انتزاعی و دور از دسترس. (مأخذ: نگارنده)

به بکارگیری رنگ‌های روشن و سرد در فضای داخلی خصوصی (تصویر ۶) عدم تمایز بین مصالح قسمت‌های مختلف بنا. استفاده از تزئینات ریز نقش در فضای داخلی. در اقلیم سرد وجه و جنبه بیرونی بنا اهمیت زیادی دارد و در ورودی‌ها و قسمت گنبد یا تاج بنا سعی شده از مصالح شاخص کننده استفاده شود. (تصویر ۸) استفاده از رنگ‌های گرم در ساخت فضای داخلی (تصویر ۹) کارگیری مصالح با چینش هندسی شکسته در کنار هم (تصویر ۱۰) استفاده از تزئینات درشت نقش (تصویر ۱۱)

در مناطق مرطوب آندودکاری روی سفت کاری در ناسازی اولویت دارد. (تصویر ۱۲) از مصالح با رنگ‌های متنوع استقبال می‌شود. (تصویر ۱۳) از مصالح نرم مثل انواع آندودها و چوب استفاده می‌شود. تزئینات با خطوط منحنی به تزئینات هندسی و قرینه ترجیح داده می‌شود. (تصویر ۱۴ و ۱۵) تزئینات عینی به تزئینات انتزاعی ترجیح داده می‌شود. نقاشی روی آندودکاری به

تزئینات سه بعدی مثل گچبری‌های برهشته و مقرنس ترجیح داده می‌شود. استفاده از تزئینات پراحساس و با دست آزاد به تزئینات ساختارمند و لزوم استفاده ماهرانه از ابزارهای خاص ارجحیت دارد. (تصویر ۱۶)

در مناطق خشک عدم ریسک پذیری در بکارگیری مصالح. استفاده از مصالح کار شده. استفاده از مصالح صیقلی در کنار مصالح بافت دار و ایجاد تمایز و وضوح بین مصالح. (تصویر ۱۷) ایجاد چینش‌های هندسی و ساختارمند که ریتم بصری به جداره می‌بخشد. (تصویر ۱۸) استفاده از تزئینات راستگوشه مثل گره چینی‌های آجری. (تصویر ۱۸) استفاده از تزئینات دور از دسترس. استفاده از مضامین معنوی. استفاده تقارن در تزئینات. ارجح دانستن تزئینات نوشتاری به تزئینات عینی. توجه به جزئیات و ریزه کاری جزئیات همچون بندکشی آجرها.

در جدول زیر نتایج بدست آمده از انطباق بوم، شخصیت و مشاهده مصالح و تزئینات ذکر شده است.

جدول ۷. ویژگیهای بومی، شخصیتی و ترجیحات مصالح گزینی منطبق با آن. (مأخذ: نگارنده)

ویژگی های مصالح و تزئینات	عامل شخصیت شناسی HEXACO	عامل شخصیت شناسی MBTI	عامل شخصیت شناسی سنتی	ویژگی اقلیمی
<p>مصالح:</p> <p>استفاده از مصالح ارزان در نما در مقابل استفاده از مصالح گرانبه در فضای داخلی.</p> <p>استفاده از مصالح با بافت متخلخل در نما در مقابل استفاده از مصالح صیقلی در فضای داخلی.</p> <p>تمایل به رنگ های سرد.</p> <p>عدم استفاده از مصالح شاخص کننده بنا در شهر.</p> <p>عدم استفاده از مصالح نامتعارف و خارج عرف.</p> <p>استفاده حداقلی از سنگ ازاره با نقش برجسته در دیوارهای خارجی و محدود کردن ازاره سنگی به حیاط مرکزی.</p> <p>استفاده از آندودهای تک رنگ سفید در پرداخت جداره های داخلی.</p> <p>تنوع کم مصالح مصرفی در جداره ها.</p> <p>ایجاد تمایز اندک بین مصالح قسمت های مختلف.</p> <p>تزئینات:</p> <p>استفاده از تزئینات ریز نقش در مقابل تزئینات گل درشت.</p> <p>استفاده از تزئینات ساده در نما در مقابل تزئینات پیچیده در فضای داخلی.</p> <p>استفاده از تزئینات آشنا.</p> <p>تمایل به تزئینات با ترکیبات نوشتاری به جای تزئینات صوری.</p> <p>تمایل به استفاده تزئینی از نور و سایه با استفاده از پنجره های مشبک و طرح های خاص.</p>	X	I	سردی	گرما

ویژگی اقلیمی	عامل شخصیت شناسی سنتی	عامل شخصیت شناسی MBTI	عامل شخصیت شناسی HEXACO	ویژگی های مصالح و تزئینات
سرما	گرمی	E	+X	<p>مصالح:</p> <p>استفاده از مصالح بدیع و خارج عرف. استفاده از مصالح گرانیقیمت در نما و اهمیت داده به وجه بیرونی بنا. استفاده از مصالح شاخص کننده در شهر. ایجاد تضاد رنگی با کنار هم قرار دادن مصالح نا هم رنگ. استفاده از اندوهای رنگی. استفاده از مصالح متنوع. ایجاد تمایز در قسمت های مختلف بنا بوسیله تمایز در مصالح. ایجاد تمایز بین مصالح به کار رفته در پایه، بدنه و تاج (گنبد). تمایل به استفاده از مصالح با رنگ گرم.</p> <p>تزئینات:</p> <p>استفاده از تزئینات درشت نقش. استفاده از تزئینات پیچیده در نما. تمایل به استفاده از تزئینات غریب و نا آشنا. تمایل به استفاده از تزئینات صوری یا ایجاد نقوش بصری با حروف. تمایل به استفاده از تزئینات پر نقش و با رنگ های متنوع. استفاده از نور به عنوان عامل دیدن تزئینات و توجه کمتر به جنبه تزئینی نور.</p>
رطوبت	تری	F/P	-A+/C	<p>مصالح:</p> <p>استقبال از مصالح جدید و بدیع. تمایل به اندودکاری روی سفت کاری. عدم تمایز بین مصالح قسمت های خصوصی و عمومی بنا. استفاده کردن از مصالح طبیعی و کمتر فراوری شده ارجحیت دارد. عدم تمایز زیبایی شناختی مصالح نما و فضای داخلی. استفاده از مصالح نرم بجای مصالح سخت و خشن. استفاده از مصالح صیقلی و یا با بافت نرم. عدم استفاده از مصالح با تضاد رنگی زیاد. عدم استفاده از ازاره های سنگی کار شده و با نقوش برجسته. استفاده از مصالح با رنگ گرم.</p> <p>تزئینات:</p> <p>استفاده از تزئینات درشت نقش. استفاده از تزئینات منحنی بجای تزئینات راست گوشه. استفاده از تزئینات دوبعدی (گره چینی و گچ بری شیر شکری) بجای تزئینات سه بعدی (مقرنس، کاسه سازی و گچ بری برجسته و برهشته). ترجیحا استفاده از اندود و ایجاد سطح صاف به جای سطوح متخلخل. استفاده از تزئیناتی که وجه زیبایی و جمال فضا را می افزاید به جای تزئیناتی که وجه شکوه و جلال فضا را می افزاید. استفاده از مضامین مادی در تزئینات. استفاده از تزئینات صوری به جای تزئینات به جای نوشتاری. استفاده از رنگ در تزئینات به جای استفاده از جنبه تزئینی نور. عدم تمایل به ایجاد تقارن در تزئینات. عدم تمایل به ایجاد تزئینات همشکل در یک بنا. تمایل به استفاده از کاشی هفت رنگ در مقابل تزئینات پرکار و طاقت فرسای معرق. تمایل به ایجاد تزئینات با خطوط منحنی پر احساس و دست آزاد و عدم الزام به استفاده از ابزار ها و روشهای هندسی خاص.</p>

ویژگی های مصالح و تزئینات	عامل شخصیت شناسی HEXACO	عامل شخصیت شناسی MBTI	عامل شخصیت شناسی سنی	ویژگی اقلیمی
<p>مصالح:</p> <p>استفاده از مصالح متداول و عدم ریسک پذیری در استفاده از مصالح. استفاده از مصالح کار شده و گرانبه. استفاده از مصالح بافت دار در کنار مصالح صیقلی. استفاده از مصالح فراوری شده و بهبود یافته در مقابل حفظ ویژگی های طبیعی مصالح. استفاده از مصالح سخت. تمایل به ایجاد وضوح و تضاد رنگی بین مصالح. استفاده از چینش های هندسی پیچیده مثل آجر کاری های خاص و ساییدن و ساب زدن مصالح به جهت فرم دادن و ساختاربخشی و تنظیم ویژگی های آنها. تمایل به استفاده از مصالح ویژه حتی به قیمت افزایش هزینه، سختی کار و مهارت بالا. در صورتیکه رنگ طبیعی مصالح مناسب نباشد ترجیح می دهند آن را رنگ آمیزی کنند تا به حالت دلخواه در بیاید. از آنجا که سازه جداره ها را قاب بندی می کند سعی در نمایش مصالح سازه ای دارند و روی عناصر سازه ای و جداره ها را کمتر اندود می کنند. ترجیح می دهند پای دیوارها را با ازاره های سنگی کار شده و دارای نقوش برجسته بپوشانند. استفاده از مصالح با دوام و توجه به وضعیت مصالح در گذر زمان. تزئینات:</p> <p>استفاده از تزئینات راست گوشه به جای تزئینات منحنی. استفاده از تزئینات پرکار در ارتفاع بالا و زیر گنبد (دور از دسترس) بجای تزئینات در دسترس. استفاده از تزئینات با مضامین معنوی. استفاده از پیام های نوشتاری به جای تزئینات صوری. استفاده از تزئینات با گره چینی و چینش های مختلف قطعات هندسی به جای فرم دادن به مصالح اندود. استفاده از تزئینات سه بعدی (مقرنس، کاسه سازی و گچ بری برجسته و برهشته) به جای تزئینات دو بعدی. استفاده از تزئینات با مضامین انتزاعی در مقابل مضامین عینی. استفاده از نور و سایه تزئینی و انوار رنگی. تزئین جزئیاتی همچون بندکشی ها و درز بین آجر ها که مهارت و سخت کوشی بالا می طلبد. اهمیت بالای نماد پردازی در تزئینات. استفاده از تقارن محوری و مرکزی در تزئینات. استفاده از تزئینات همشکل در جداره هایی که نسبت به هم در تقارند. اجرای دقیق و ماهرانه تزئینات. استفاده از تزئیناتی که به شکوه و جلال فضا می افزاید تا به جمال و زیبایی آن.</p>	<p>+A-/C</p>	<p>T/J</p>	<p>خشکی</p>	<p>خشکی</p>

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. ابن خلدون. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون. (پ). گنابادی. مترجم) تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ابن سینا، ح. (۱۳۶۸). قانون در طب. (ع). شرفکندی، مترجم) تهران: سروش.
۴. ابن عربی، م. (۱۳۸۵). فتوحات مکیه. (م). خواجهوی، مترجم) تهران: مولی.
۵. اخوان الصفا. (۱۳۸۰). گزیده وسائل اخوان الصفاء. (ع. حلبی، مترجم) تهران: اساطیر.
۶. اخوان الصفاء. (۱۳۸۰). گزیده رسائل اخوان الصفاء. (ع. حلبی، مترجم) تهران: اساطیر.
۷. تسلط، ف. غفوری، ش. همایونفال، م. ناطقی، س. (۱۳۹۶). بوم شناسی و شخصیت در اقلیم گرم و خشک ایران (شهر زواره) مطالعات طرح ۲. کارشناسی ارشد. کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
۸. چینگ، ج. (۱۳۸۳). ادیان چین. (ح. ارشدی، مترجم) تهران: باز.
۹. حاتمی، ح. (۱۳۷۹). مبانی اپیدمیولوژی بالینی در قانون ابن سینا. اولین کنگره طب پیشگیری همدان (ص. ۶۷-۶۳). همدان.
۱۰. حسن زاده آملی، ح. (۱۳۷۹) هزار و یک کلمه. قم: بوستان کتاب.
۱۱. خاتمی، م. (۱۳۸۴). بعد پنهان ماده در ساختار معماری (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، معماری، تهران.
۱۲. ستوده، ه. (۱۳۹۵). روانشناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
۱۳. سرمدی، م. (۱۳۷۷). پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر. تهران: سرمدی.
۱۴. شهیدی، ش.، کمری، س. (۱۳۹۴). شخصیت ایرانی: شواهدی از تفاوت فرهنگی ویژگی‌های شخصیتی. تحقیقات علوم رفتاری، ۵۲۵-۵۳۱.
۱۵. شیرازی، ص. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه. (س). آشتیانی، تدوین) قم: بوستان کتاب.
۱۶. فارابی، م. (۱۳۷۱). التعليقات به ضمیمه التنبیه علی سبیل السعده. تهران: آل یاسین.
۱۷. فارابی، م. (۱۳۷۱). التنبیه علی سبیل السعاده. (ج. آل یاسین، مترجم) تهران: حکمت.
۱۸. فانگ، ی. (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه چین. (ف. جواهرکلام، مترجم) تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۱۹. فخر رازی، م. (۱۳۹۵). حفظ البدن - رساله‌ای کهن در باب بهداشت تن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۰. فخر رازی، م. (۱۳۹۳). حفظ البدن: رساله‌ای کهن در باب بهداشت بدن. (س. رضوی برقعی، تدوین) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. گروتز، ی. (۱۳۸۸). زیبایی شناسی در معماری. (ج. پاکزاد، ع. همایون، مترجم) تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۲. لاپیکا، م.، واورا، ژ.، چکوا، ز. س. (۱۳۹۴). بو شناسی فرهنگی، شناخت معاصر از رابطه بین انسان و محیط زیست. میرداماد، ۱، ۱۴-۲۹.
۲۳. لکنر، ن. (۱۳۸۵). سرمایه‌گرایی، گرمایش، روشنایی. (م. کی نژاد، ر. آذری، مترجم) تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.
۲۴. لنگ، ج. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (ع. عینی فر، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. لوید رایست، ف. (۱۳۷۲). معنای مصالح: چوب. (ف. طاهری، تدوین) آبادی، ۱۰، ۱۶-۲۱.
۲۶. لوید رایست، ف. (۱۳۷۲). معنای مصالح: رس پخته. (ف. طاهری، تدوین) آبادی، ۱۱، ۳۴-۳۹.
۲۷. لوید رایست، ف. (۱۳۷۲). معنای مصالح: سنگ. (ف. طاهری، تدوین) آبادی، ۹، ۲۶-۳۰.
۲۸. لوید رایست، ف. (۱۳۷۳). معنای مصالح: شیشه. (ف. طاهری، تدوین) آبادی، ۱۲، ۵۱-۵۵.
۲۹. نصر، س. (۱۳۷۷). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران: خوارزمی.
۳۰. نوایی، ک.، حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خیال. تهران: سروش.
۳۱. هال، ا. (۱۳۹۳). بعد پنهان. (م. طیبیان، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. ولایتی، ع. (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.

46. Stelmack, R., Stalikas, A. (1991). Galen and The Humour Theory. *Personality and Individual Differences*. 255-263, 12,
47. SUTTON, M., ANDERSON, E. (2010). *Introduction to Cultural Ecology*. Lanham: AltaMira Press.
48. Triandis, H., Suh, E. (2002). CULTURAL INFLUENCES ON PERSONALITY. *Psychol*, 60-133, 53
49. ZARIN, H. (2010). MAKING PLACE AND IDENTITY IN THE INTERSTICES: RIBEIRINHO LANDSCAPES IN THE TERRA DO MEIO—) LAND OF THE MIDDLE (||PARÁ, BRAZIL. FLORIDA: UNIVERSITY OF FLORIDA.
- www.static-pan- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
oramiocom: www.static-panoramio.com
- www.sobhefou- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
man.ir: www.sobhefouman.ir
- www.safargar- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
di.com: www.safargardi.com
- www.qrgardi. از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
com: www.qrgardi.com
- www.moodle- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۹).
beverleyhigh.net
- www.korea- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
times.co.kr: www.koreatimes.co.kr
- www.hormoz. از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
ir: www.hormoz.ir
- www.truity. از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
com: www.truity.com
- www.slideplay- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
er.com: www.slideplayer.com
- www.tab- از بازیابی از (۱۳۹۶، ۱۱ ۰۳).
arestannamag.ir: www.tabarestannamag.ir
33. Arroyo, S. (1975). *Astrology, Psychology, and The Four Elements*. Sebastopol: CRCS.
34. Ashton, M. (2013). *Individual Differences and Personality (Second Edition.)* Oxford: Elsevier.
35. Ashton, M., Lee, K. (2007). Empirical, Theoretical, and Practical Advantages of the HEXACO Model of Personality Structure. *Personality and Social Psychology*. 150-166, 11,
36. Bashiri, H., Barahmand, U., Akabri, S., Ghamari, H., Vusugi, A. (2011). A Study Of The Psychometric Properties And The Standardization Of HEXACO Personality Inventory. *Social and behavioral Sciences*. 1173-1176, 30,
37. Berry, J., Poortinga, Y., Pandey, J., Dasen, P., Saraswathi, T., Segall, M & Kagitcibasi, C. (1997) *Handbook of Cross-Cultural Psychology*. Boston: Allyn & Bacon.
38. Eysenck, H & Eysenck, M. (1985). *Personality and Individual Differences: A Natural Science Approach (Perspectives on Individual Differences)*. (New York: Plenum Press.
39. Gue, J., Ho Jo, G. (2013). The Origin of personality types developed under selective pressures: Introducing Climatic-Adaptation Theory. *HYPOTHESIS*. 1-5,
40. Hofstede, G., McCrae, R. (2004). *Personality and Culture Revisited: Linking Traits and Dimensions of Culture*. *Cross-Cultural Research*, 38-52, 38
41. Hofstede, G., Hofstede, G., Minkov, M. (2010). *Cultures and organizations: software of the mind*. New York: McGraw-Hill.
42. Kant, I. (2012). *Anthropology from a Pragmatic Point of View*. M. Gregor (مترجم), New York: Springer Science Business Media.
43. Keirse, D. (1998). *Please Understand Me II*. New York: Prometheus Nemesis Book Company.
44. Matthews, C., Hill, C., Case, F., Allisima, T. (2010) *Personal Bias: The Influence of Personality Profile on Residential Design Decision*. *HOUSING AND SOCIETY*. 1-24, 37,
45. Schultz, D., Schultz, S. (2005). *Theories of Personality*. Belmont: Thomson Wadsworth.